

بادهاپی رها در باد

ساختار زبان و شیوهی سخن ترکان صفاشهر
و مقایسهی آن با ترکی قشقایی و آذربایجانی

دکتر کاووس حسن‌لی - خسرو رشیدی

دانشگاه شیراز



شیراز ۱۳۸۹

- سرشناسه : حسن‌لی، کاووس، ۱۳۴۱ -
- عنوان و نام پدیدآور : یاد‌هایی رها در باد : ساختار زبان و شیوه‌ی سخن ترکان صفاشهر و مقایسه‌ی آن با ترکی قشقایی و آذربایجانی / کاووس حسن‌لی، خسرو رشیدی.
- مشخصات نشر : شیراز: تخت جمشید، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : ۲۵۶ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۵۷-۴۸-۳
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع : ترکی خلجی
- موضوع : زبان ترکی قشقایی
- موضوع : زبان ترکی آذربایجانی
- شناسه افزوده : رشیدی، خسرو، ۱۳۵۰ -
- رده بندی کنگره : ۱۲۸۹ ح ۸ / ۴۵ PL
- رده بندی دیویی : ۴۹۴/۳۶
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۰۶۹۲



انتشارات تخت جمشید

شیراز، میدان شهدا، خیابان پروزی (نمازی)، جنب بانک
تجارت شعبه پروزی، طبقه اول، کدپستی: ۷۱۳۷۶-۷۳۹۹۶
تلفکس: ۰۷۱-۲۲۴۵۴۰۱

E-mail: t_jamshid@yahoo.com
Shiraznashr.blogfa.com

یاد‌هایی رها در باد

ساختار زبان و شیوه‌ی سخن ترکان صفاشهر
و مقایسه‌ی آن با ترکی قشقایی و آذربایجانی
دکتر کاووس حسن‌لی - خسرو رشیدی



با همکاری قطب علمی
پژوهش‌های فرهنگی و ادبی فارس - دانشگاه شیراز

ناشر همکار: قشقایی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه / قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: مصطفوی / لیتوگرافی: پردیس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۵۷-۴۸-۳

حروف‌نگار: صدیقه محمدی / صفحه‌آرا: جمشید رضایی

آماده‌سازی پیش از چاپ: مؤسسه‌ی کتاب آرایان پارس ۲۲۳۱۲۸۰

Ketab.arayan@gmail.com

Printed in the Islamic Republic of Iran- Shiraz

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
۱. مقدمه	۱۳
۱.۱. پیشینه‌ی ترک‌زبان‌های ایرانی	۱۹
۲.۱. خلج‌ها از کجا آمده‌اند؟	۲۱
۳.۱. ریشه و معنی واژه‌های خلج و قشقایی	۳۱
۴.۱. پیوند قشقایی‌ها و خلج‌ها	۳۳
۵.۱. ردیابی حضور ترکان در فارس	۳۴
۶.۱. قنقری (قونقری) به چه معنا و در کجاست؟	۴۵
۷.۱. چگونگی زبان خلجی	۵۸
۸.۱. آشنایی با پیشینه‌ی برخی از گروه‌های صفاشهری	۷۰
۹.۱. بررسی ژنتیکی ترک‌های صفاشهر	۸۳
۱۰.۱. سیاس	۸۶
۲. ساختار زبان و شیوه‌ی سخن ترکان صفاشهر	۸۸
۱.۲. پیش‌گفتار	۸۸

۹۶	۲.۲. ساختمان جمله و نقش کلمه‌ها.....
۹۶	۱.۲.۲. نهاد و گزاره.....
۹۷	۲.۲.۲. جمله و اجزای آن.....
۱۰۰	۳.۲.۲. مفعول.....
۱۰۱	۴.۲.۲. مسند.....
۱۰۲	۵.۲.۲. متمم.....
۱۰۲	۶.۲.۲. صفت.....
۱۰۴	۷.۲.۲. مضاف‌الیه.....
۱۰۶	۸.۲.۲. قید.....
۱۰۷	۹.۲.۲. منادا.....
۱۰۷	۳.۲. شناخت واژگان (صرف).....
۱۰۷	۱.۳.۲. فعل.....
۱۱۱	۱.۱.۳.۲. شخص فعل.....
۱۲۴	۲.۱.۳.۲. گونه‌های فعل به اعتبار زمان.....
۱۲۴	الف. گونه‌های ماضی.....
۱۲۴	ماضی ساده.....
۱۲۵	ماضی استمراری.....
۱۲۶	ماضی نقلی.....
۱۲۷	ماضی بعید.....
۱۲۸	ماضی التزامی.....
۱۲۹	ماضی مستمر (ملموس).....
۱۳۰	ماضی ابعد.....
۱۳۰	ماضی نقلی استمراری.....
۱۳۱	ماضی ساده‌ی توانی.....
۱۳۲	ماضی ساده‌ی اختیاری.....
۱۳۲	ماضی استمراری توانی.....
۱۳۳	ماضی استمراری تأکیدی.....

۱۳۴	ماضی نقلی توانی
۱۳۴	ماضی نقلی مستمر توانی
۱۳۵	ماضی بعید توانی
۱۳۶	ماضی ساده‌ی شایانی
۱۳۶	ماضی التزامی شایانی
۱۳۷	ماضی التزامی اختیاری
۱۴۱	ب. مضارع و انواع آن
۱۴۱	مضارع اخباری
۱۴۳	مضارع التزامی
۱۴۵	مضارع مستمر
۱۴۶	مضارع اخباری توانی
۱۴۷	مضارع اخباری شایانی
۱۴۸	مضارع التزامی توانی
۱۴۹	مضارع التزامی شایانی
۱۵۳	ج. فعل آینده (مستقبل)
۱۵۵	۳.۱.۳.۲. فعل‌های غیر شخصی
۱۵۶	۴.۱.۳.۲. فعل‌های امر، نهی و نفی
۱۶۴	۵.۱.۳.۲. فعل دعا
۱۶۴	۶.۱.۳.۲. فعل تام و ربطی
۱۶۵	۷.۱.۳.۲. فعل‌های کمکی
۱۶۶	۸.۱.۳.۲. اقسام جمله به اعتبار فعل
۱۶۷	فعل‌های گذرا (متعدی)
۱۷۰	فعل‌های ناگذرا (لازم)
۱۷۱	فعل‌های دو وجهی
۱۷۲	۹.۱.۳.۲. اقسام فعل به اعتبار فاعل
۱۷۲	فعل معلوم
۱۷۲	فعل مجهول و روش ساختن آن:
۱۷۴	۱۰.۱.۳.۲. ساختمان فعل
۱۸۱	۲.۳.۲. اسم

۱۸۱	 ۱.۲.۳.۲ اسم از نظر شمارش
۱۸۲	 ۲.۲.۳.۲ اسم از دیدگاه اشتقاق
۱۸۳	 ۳.۲.۳.۲ اسم از دیدگاه آشنایی مخاطب
۱۸۵	 ۴.۲.۳.۲ اسم از دیدگاه ساخت
۱۸۷	 ۵.۲.۳.۲ مصدر
۱۸۹	 ۶.۲.۳.۲ اسم مصدر
۱۹۱	 ۷.۲.۳.۲ حاصل مصدر
۱۹۱	 ۸.۲.۳.۲ اسم مکان
۱۹۳	 ۹.۲.۳.۲ اسم زمان
۱۹۴	 ۱۰.۲.۳.۲ اسم ابزار
۱۹۵	 ۱۱.۲.۳.۲ اسم تصغیر
۱۹۶	 ۳.۳.۲ صفت
۱۹۶	 ۱.۳.۳.۲ انواع صفت از نظر جایگاه آن‌ها با موصوف
۱۹۷	 ۲.۳.۳.۲ ساختار صفت از لحاظ نوع تکواژ سازنده‌ی آن
۲۰۱	 ۳.۳.۳.۲ ساخت صفت از نظر ریشه‌ی فعلی
۲۰۲	 ۴.۳.۳.۲ اقسام صفت از دیدگاه مفهوم و پیام
۲۰۹	 ۵.۳.۳.۲ صفت‌های سنجشی
۲۱۱	 ۶.۳.۳.۲ صفت‌های غیر بیانی
۲۱۵	 ۴.۳.۲ ضمیر
۲۱۵	 ۱.۴.۳.۲ ضمیر شخصی
۲۱۹	 ۲.۴.۳.۲ ضمیر مشترک
۲۲۰	 ۳.۴.۳.۲ ضمیر مالکیت
۲۲۳	 ۴.۴.۳.۲ ضمیر اشمال
۲۲۴	 ۵.۴.۳.۲ ضمیر اشاره
۲۲۵	 ۶.۴.۳.۲ ضمیر پرسشی

یادهایی رها در یاد (ساختار زبان و شیوه سخن ترکان...) □ ۱۱

- ۲۲۵..... ۷.۴.۳.۲ ضمیر تعجبی
- ۲۲۵..... ۸.۴.۳.۲ ضمیر مبهم
- ۲۲۶..... ۵.۳.۲ قید
- ۲۲۶..... ۱.۵.۳.۲ قید از جهت ساختار
- ۲۲۹..... ۲.۵.۳.۲ قید از دیدگاه اصالت
- ۲۳۰..... ۳.۵.۳.۲ قید از نظر معنا
- ۲۳۳..... ۶.۳.۲ شبه جمله‌ها
- ۲۳۳..... ۷.۳.۲ حروف
- ۲۳۵..... ۱.۷.۳.۲ حروف ربط
- ۲۳۶..... ۲.۷.۳.۲ حروف اضافه
- ۲۴۳..... ۳.۷.۳.۲ حروف نشانه
- ۲۴۵..... ۸.۳.۲ وندها
- ۲۴۵..... ۱.۸.۳.۲ پیش‌وندها
- ۲۴۶..... ۲.۸.۳.۲ میان‌وندها
- ۲۴۹..... ۳.۸.۳.۲ پس‌وندها

۱. مقدمه

زبان یکی از آشکارترین و موثرترین عناصر فرهنگی هر ملت است. زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بشری، هر یک به سهم خویش، دست‌آوردهایی برای بشر امروزی به ارمغان آورده‌اند. شناسایی شایسته‌ی ملت‌ها جز با شناختِ راست و درستِ زبان و فرهنگ آن‌ها میسر نیست.

تنوع فرهنگی و زبانی یک ملت، در صورت حفظ یکپارچگی ملی، همواره موجب پویایی، نشاط و سرزندگی آن ملت است. جامعه‌ی ایران یک جامعه‌ی چند زبانی و چند قومیتی است. حفظ و تقویت میراث‌های زبانی، فرهنگی و هنری اقوام گوناگون ایرانی هنگامی شایسته است که همچون گنجینه‌هایی گران‌مایه و سرمایه‌هایی ارزشمند در مسیر گسترش، تقویت و تنوع بخشی به فرهنگ ملی کشور عزیز ایران به کار

آید. ایران سرافراز، امروز بیش از همیشه، سزاوار همدلی و همراهی ملی است و هرگونه فعالیت و پویش قومی و زبانی جز در سایه‌ی اقتدار ملی ایران یکپارچه شایسته نیست.

بررسی و شناسایی زبان‌ها، گویش‌ها و فرهنگ‌های اقوام گوناگون ایرانی از بایسته‌ترین اقدامات فرهنگی است. بویژه آن که بسیاری از این سرمایه‌های گران‌بها و درخشان در هجوم زبان‌ها و فرهنگ‌های غالب و مسلط، رنگ می‌بازند، کم فروغ می‌شوند و از میان می‌روند. در آینده‌ی فرهنگ‌ها و زبان‌های حاشیه‌ای و با بررسی چند و چون آن‌ها، می‌توان بسیاری از راز و رمزهای ناشناخته‌ی بشری را بازیافت و پرده از روی بسیاری از آن‌ها باز گرفت.

بارها شنیده‌ایم که اگر کسی یک زبان بداند یک نفر است و اگر چند زبان بداند دیگر یک نفر نیست؛ او هم‌زمان چند نفر است. دانستن زبان‌های دیگر - هر زبانی - ظرفیت دریافت، اندیشه و شناخت آدمی را به همان میزان گسترش می‌دهد.

یکی از دست‌آوردهایی که دانستن زبان‌های دیگر دارد، این است که آدمی می‌تواند آثار پدیدآمده - شفاهی و کتبی - در آن زبان را، بدون واسطه بشنود، بخواند و دریابد و این توانایی از دارایی‌های شایسته‌ی آن زبان‌دان به شمار می‌آید. پس چگونه است که متأسفانه برخی از هم‌زبانان ترک، ترکی‌دانی خود را مخفی می‌کنند و به جای سرافرازی به این توانایی افتخار انگیز، آن را شرمگانه فرو می‌پوشند! اگر این اخلاق ناپسند را یکی از آثار دیرین سیاست‌های استعماری و استبدادی در کشورمان بدانیم، شاید گراف نپنداشته باشیم. البته این یک اصل کلی است که در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است. اسکوتناب کانگاش (Skutnab Kangash)،

زبان شناس سوئدی، در کتاب «از شرم زدگی تا مبارزه جویی» نوشته است: در کشورهایی که زبان غالب و حاکم، زبان های دیگر مادری را به حاشیه رانده و ممنوع کرده است، تکلم به زبان مادری — در زبان های غیررسمی — با احساس شرم همراه بوده است.^۱

بسیاری از افتخارات مردم ایران (افتخارات فرهنگی، ادبی، هنری، علمی و...) به همت ترک ها، کردها، لر ها، عرب ها، بلوچ ها و دیگر اقوام ایرانی پدید آمده است. و ایران امروز مجموعه ای از همه ی این نژادها، زبان ها، گویش ها و فرهنگ هاست. هر کدام از اینان که در شکوفایی فرهنگی و سرافرازی ملی ایران، سهمی داشته اند، نه تنها بیگانه نیستند، که برادران تنی این خانواده اند. به یاد داشته باشیم که مرزهای جغرافیایی ایران بزرگ، روزگاری آن چنان گسترده بود که بسیاری از همسایه های کنونی ایران (همسایه های شمالی، شرقی، غربی و جنوبی) را — از نژادها و دودمان های گوناگون — دربر می گرفت. آنان به گونه ای رسمی، بخشی از ایران بزرگ بودند و ملتی بیگانه شمرده نمی شدند. آن چه امروزه فرهنگ ایرانی شناخته می شود، بی گمان آمیزه ای از همه ی آن فرهنگ هاست. امروزه جمعیت رسمی بسیاری از کشورها را مهاجرانی تشکیل می دهند که در زمان های دور با نزدیک از سرزمین های دیگر به آن جا کوچیده اند و با پذیرش ملیت جدید و با پرهیز از بیگانگی، خود را در پیروزی ها، شکست ها، غم ها و شادی های هم میهنان جدید خود سهیم و شریک دیده اند. پافشاری بر این موضوع بدیهی را — برای برخی از مخاطبان جوان تر — از آن رو برای خود بایسته می دانم که آنان به غلط گمان می کنند مهاجرانی که به سرزمینی وارد می شوند، همواره

۱. اسکوتناب، کانگاش، از شرم زدگی تا مبارزه جویی، آمریکا، ۱۹۹۸ ص ۱۲.

بیگانه‌اند. کسانی که چنین می‌پندارند، باید به یاد داشته باشند آریایی‌ها هم مهاجرانی بودند که در روزگارانی دورتر - در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد - با گله‌های گوسفند و اسب خود به سوی ایران روانه شدند، به این سرزمین آمدند، آن را اشغال کردند و آرام آرام با بومیان این سرزمین درآمیختند، پیوند یافتند و یکی شدند. حتی کشور ایران نام خود را نیز از آنان گرفت. ("ایران" از آریا یا ایریا گرفته شد، به معنی دوست باوفا).

یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگی معاصر ما، که در سال‌های اخیر جنب و جوش خود را از سر گرفته است، بازگشت به گذشته و افتخار به داشته‌های پیشین است. این احساس - که در جای خود بسیار پسندیده است - در برخی، چنان چیرگی یافته که چشم آن‌ها را بر بسیاری از واقعیت‌های آشکار بسته است. بی‌گمان نشانه‌هایی بسیار روشن در فرهنگ گذشته‌ی ما - از دوره‌های باستان تا دوره‌ی معاصر - وجود دارد که برای همیشه مایه‌ی سرافرازی و سربلندی مردم ایران است. و شایسته است این داشته‌های ارزشمند فرهنگی و سرمایه‌های گران‌بهای تاریخی را پاس داشت و در شناختن بیش‌تر و شناساندن بهتر آن کوشید. اما چنان‌چه به بهانه‌ی همین پیشینه‌ی افتخار‌انگیز، بخواهیم به گذشته برگردیم و همچون واپس‌ماندگان، در همان‌جا بمانیم، و «کنون» خود را درنیابیم، دچار ناشایست‌ترین نوع زندگی شده‌ایم. ما در جهان امروزیم و شایسته نیست در گذشته زندگی کنیم. اگر گذشتگان ما در جایگاهی بلند ایستاده‌اند و برای ما افتخار آفریده‌اند، امروز آیا ما، در سنجش با آنان، در چه جایگاهی ایستاده‌ایم؟! و برای آیندگان چه افتخاری می‌آفرینیم؟ اما تلخ‌تر از این هنگامی‌ست که در نگاه به تاریخ گذشته‌ی خود، چشمانمان را بر همه‌ی تاریکی‌ها - که بخشی از واقعیتند - ببندیم

و حتی افتخارات مربوط به دیگران را هم به خود نسبت دهیم. در این صورت دچار بیماری سخت‌تری شده‌ایم که نیاز به درمان فوری دارد. در این‌جا مجالی برای گستردنِ بیش‌ترِ این موضوع نیست؛ بهتر است به سر سخن خویش بروم.



گویشی که مردم ترک‌زبان صفاشهر، امروزه با آن گفت‌وگو می‌کنند، از راه درازی بازآمده، از پیچ‌وخم‌های فراوان تاریخی عبور کرده، در گردنه‌ها و گریوه‌های گوناگون سخت‌جانی کرده و فرازوفرودهای بسیاری را آزموده است. اینک اما - با همه‌ی فشارهایی که پذیرفته و همه‌ی دگردیسی‌هایی که یافته - هنوز زنده است و هنوز نفس می‌کشد.

از سالیان دور، شاهد کم‌توجهی بسیاری از گویش‌وران ترک‌زبان مردم صفاشهر و شهرستان کنونی خرم‌بید، نسبت به زبان خود و فراموشی آن هستم و آشکارا می‌بینم که این گویش شوربختانه رو به خاموشی و فراموشی است. از سال‌ها پیش بارها در این اندیشه بوده‌ام که اگر زبان‌شناسان و پژوهش‌گران آینده بخواهند درباره‌ی شیوه‌ی سخن گفتن این مردم و سیر تحول و دگرگونی زبان آن‌ها تحقیق کنند - آن‌گاه که این گویش خاموش شده باشد و گویش‌وری از این زبان باقی نمانده باشد - چه می‌توانند بکنند!

تاسف همراه با شگفتی من هنگامی برانگیخته می‌شود که می‌بینم هیچ سندِ مکتوبِ قابل توجه، حتی یک سطرِ منتشر شده از گویش ترکی این منطقه در تاریخ وجود ندارد. یادمان باشد که نیاکان کهن این مردم، باورهای حماسی و فولکلوریک خود را بیش از سیزده قرن پیش در کتاب

ارزشمند «دده قورقود» به ثبت رسانده‌اند. این کتاب بارها و بارها به زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شده و تاثیر آن در اساطیر دیگر ملل بررسی شده است.^۱



در یکی از سفرهای فرانسه، چندین هفته در دانشگاه لانگرو (ایالکو) پاریس رفت و آمد داشتم و با استادانی همچون پروفیسور کریستف بالایی (در گروه زبان فارسی) و دکتر ژیل اوتیه (در گروه زبان ترکی) در پیوند بودم. در چندین جلسه با آقای ژیل اوتیه درباره‌ی ساختار زبان ترکی قشقایی و گویش صفاشهر گفت‌وگو کردیم و ضرورت

۱. این کتاب که از شاهکارهای ادبی جهان به شمار می‌آید، شامل دوازده حماسه‌ی منظوم و منشور است و در سال ۴۴۶ هجری از روی نسخه‌های پراکنده‌ی خطی استنساخ شده است. دکتر محمدرضا صدیق نوشته‌اند: «دده قورقود پژوهی اکنون در اغلب دانشگاه‌های دنیا در رشته‌ی زبان و ادبیات ترکی، گرایشی خاص به شمار می‌رود». (محمدرضا صدیق، حسین، یادمان‌های ترکی باستان، انتشارات نخل‌های سرخ، ۱۳۷۹، ص ۴۰). کتاب دده قورقود از یک مقدمه و دوازده داستان اپیزودار (پیوسته) تشکیل شده است. متن این کتاب به نثر و نظم است و حدود دوهزار بیت شعر دارد. شعرها را «اوزان» ها (شاعران مردمی که امروزه به آن‌ها «عاشق» می‌گویند.) سروده‌اند. این سروده‌ها همراه با ساز خوانده می‌شده است. دده قورقود خود نام یکی از همین اوزان‌ها بوده است، که در جایگاه پیری مصلحت‌اندیش و راهنما در داستان‌ها حضور دارد. «در داستان‌های دده قورقود زنان منزلی بالا و هم‌طراز با مردان دارند. در این داستان‌ها خانواده تک‌زوجی است. و یکی از راه و رسم‌های انتخاب همسر، هم‌آورد بودن دختر و پسر در اسب‌سواری، تیراندازی، شمشیرزنی، کشتی‌گیری و جنگ‌آوری است». (هیئت، جواد، سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، ص ۸۰). برای آگاهی بیشتر، رک. کتاب دده قورقود، به کوشش م. ع. فرزانه، انتشارات فرزانه، ۱۳۵۸. و نیز: مقدمه‌ای بر بررسی کتاب دده قورقود، میرعلی سید سلامت، انتشارات آشینا، ۱۳۷۶.

توجه به گویش ترکی مردم شهرستان خرم‌بید- بویژه با تاکیدهای مکرر ژیل اوتیه- در من تقویت شد و تصمیم گرفتم کتابی را با موضوع ساختار زبان و شیوه‌ی سخن ترکی مردم صفاشهر تدوین کنم، تا دست‌کم یک اثر از این گویش در تاریخ به ثبت برسد. برای این کار از دوست ارجمند و دانشور محترم جناب آقای خسرو رشیدی - که از گویش‌وران زبان ترکی صفاشهر و مقیم این شهرند - کمک خواستم و ایشان با اشتیاق پذیرفتند و تا پایان راه همراهی کردند.

در همین جا یادآوری می‌کنم که نه من متخصص زبان ترکی هستم و نه همکار گرامی‌ام آقای خسرو رشیدی. من معلم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیرازم و همچون دانشجویی ساده، در رشته‌ی تحصیلی خود نیز هنوز پیاده‌ام. همه‌ی آثاری که تاکنون از من منتشر شده (از جمله ۲۵ عنوان کتاب) همه به فارسی و دربارهی متون ادب فارسی است. آقای رشیدی هم کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی هستند. چنانچه بررسی ساختمان گویش ترکی مردم صفاشهر به دست متخصصی زبان‌شناس که به گویش‌های دیگر ترک‌زبانان مناطق مختلف جهان آگاهی داشت، صورت می‌گرفت، بی‌گمان نتایج علمی آن بسیار سودمندتر بود. اما اینک که این بختمندی روی ننموده است، در ناگزیری، و تنها برای ثبت برخی ویژگی‌های دستوری آن، این کتاب را سامان داده‌ایم.

۱.۱. پیشینه‌ی ترک‌زبان‌های ایرانی

واژه‌ی «ترک» ابتدا نام یکی از قبیله‌های ترک‌زبان بوده است. «به نظر می‌رسد کلمه‌ی ترکی یا ترک (تورک) از فعل «توره‌مک» به معنی تولید مثل مشتق شده و به معنی «قوت» نیز آمده است... اقوام ترک‌زبان

آسیای میانه، قبل از قبول اسلام، به نام‌های قومی اغوز، قبیچاق، خلج، و امثال آن‌ها نامیده می‌شدند. بعد از آن که این اقوام مسلمان شدند و به ایران آمدند، به همه‌ی آن‌ها ترک گفته شد.^۱

درباره‌ی اقوام ترک‌زبان و پیشینه‌ی تاریخی آن‌ها در جهان، تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای صورت پذیرفته و نوشته‌های گوناگونی پدید آمده است که در این مجال اندک پرداختن به آن و حتی معرفی کوتاه آن‌ها، امکان‌پذیر نیست. از میان همه‌ی آن نوشته‌ها برای آگاهی علاقه‌مندان تنها به چند اثر که دسترسی به آن‌ها آسان‌تر است اشاره می‌شود:

■ دیاربکر، ابوبکر طهرانی، به کوشش ن. لوغان، فاروق سومر، آنکارا، ۱۹۶۲-۱۹۶۴

■ شجره‌ی تراکمه، به کوشش ن. کونونوف، مسکو، لنینگراد، ۱۹۵۸، (ترجمه‌ی ترکی: م. ارگین، استانبول، بی تا)

■ تاریخ فرهنگی ترک در قبل از اسلام، ب. اوگله، ت. ت. آنکارا، ۱۹۶۲

■ اغوزها (ترکمن‌ها)، فاروق سومر، ترجمه‌ی آناردی عنصری، انتشارات حاج طلایی، ۱۳۸۰

■ تاریخ ترک‌های آسیای میانه، و. بارتولد، ترجمه‌ی دکتر غفار حسینی، انتشارات توس، ۱۳۷۶

■ نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترک‌های ایران، محمد رحمانی مقدم، نشر اختر، ۱۳۷۹

■ سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، دکتر جواد هیئت، نشر پیکان، ۱۳۸۰ (چاپ سوم)



۱. هیئت، جواد، سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، نشر پیکان، ۱۳۸۰ (چاپ سوم)، ص ۱۷.